

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: فرید پرواز

۱۴ فبروری ۲۰۱۵

کشوری که به هم ریخته است؛ سیزده سال حرف‌شنوی از امریکائی‌ها با افغانستان چه کرد؟

انتظار می‌رود درآمد امسال دولت کابل حدود یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون دالر باشد. این رقم کمتر از پول حاصل از تجارت مواد مخدر افغانستان که وجوه صندوق خزانه طالبان را تأمین می‌کند، است. بدون کمک بین‌المللی سالانه هشت میلیارد دالری به افغانستان که قرار است تا پایان سال ۲۰۱۶ ادامه یابد، دولت این کشور حتی نمی‌تواند حقوق ۳۵۰ هزار سرباز و مأمور پولیس خود را که مقابل طالبان قرار دارند، بپردازد.

گروه بین‌الملل شرق- پس از گذشتن یک ماه از خروج نمادین نیروهای خارجی از افغانستان، نگاه به هزینه‌های گزافی که این نیروها در افغانستان متحمل شدند و هیچ ثمری برای مردم افغانستان نداشتند می‌تواند چشم انداز روشنی از وجهه حضور فعلی به اصطلاح غیرنظامی این نیروها در روزهای جاری به ما بدهد.

کشته شدن نزدیک به چهار هزار نفر از نظامیان خارجی در افغانستان طی سیزده سال گذشته نشان دهنده این واقعیت است که جنگ افغانستان بیش از آنچه تصور می‌شد برای نیروهای خارجی هزینه داشته است.

مسلم است که هزینه‌های ناتو و کشورهای خارجی مستقر در افغانستان فقط در کشته شدن بیش از سه هزار نظامی خلاصه نمی‌شود بلکه این کشورها مقدار زیادی از سرمایه، سلاح و تجهیزات نظامی خود را از دست داده و همچنین هزاران نفر از سربازان این کشورها زخمی و دچار مشکلات روانی شده‌اند.

پرسش مهم و اساسی این است که افغانستان پس از ۱۳ سال تحمل سختی و مشقت روز افزون با حضور پررنگ نیروهای خارجی اکنون چه جایگاهی دارد؟

تأثیر اقتصادی نیروهای خارجی بر افغانستان

گزارشات رسمی می‌گویند که حضور نظامی ناتو در افغانستان در این مدت هزینه‌های سنگینی داشته اما از هزینه‌های مصرف شده کشورهای خارجی که مدعی هستند برای بهبود زندگی مردم افغانستان به مصرف رسیده تغییر ملموسی در زندگی مردم عادی این کشور رخ نداده است. نرخ بیکاری در این کشور به بالاترین حد خود در دهه اخیر رسیده است. به نظر می‌رسد که انتقال سیاسی و کنترل امور امنیتی این کشور با مانع اقتصادی تقریباً

دشواری مواجه شده است. سرمایه گذاران در افغانستان پول خود را از این کشور خارج و آن را به کشورهای امارات متحده عربی، چین، پاکستان، هند و ترکیه منتقل می کنند.

دفتر بازرس ویژه آمریکا برای بازسازی افغانستان (SIGAR) می گوید از سال ۲۰۰۲ میلادی تاکنون آمریکا بیش از ۱۰۴ میلیارد دلار به افغانستان کمک کرده است. این رقم حتی از طرح مارشال که به برخاستن اروپا از خاکستر جنگ جهانی دوم کمک کرد، بیشتر بود؛ اما این پول هنگفت به جای بازسازی افغانستان صرف عملیات رزمی شد. در حال حاضر نیروهای افغان که مقابل طالبان می جنگند، هنوز حقوقشان از خارج کشور تأمین می شود.

انتظار می رود درآمد امسال دولت کابل حدود یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار باشد. این رقم کمتر از پول حاصل از تجارت مواد مخدر - که وجوه صندوق خزانه طالبان را تأمین می کند - افغانستان است. بدون کمک بین المللی سالانه هشت میلیارد دلاری به افغانستان که قرار است تا پایان سال ۲۰۱۶ ادامه یابد، دولت این کشور حتی نمی تواند حقوق ۳۵۰ هزار سرباز و مأمور پولیس خود را که مقابل طالبان قرار دارند، بپردازد.

امروزه افغانستان به عنوان بزرگترین تولیدکننده مواد مخدر در جهان با رتبه نخست در فساد اداری با مشکلات عدیده ای دست و پنجه نرم می کند.

تأثیر نظامی نیروهای خارجی بر افغانستان

پس از سیزده سال ادعای مبارزه با تروریسم و میزبانی افغانستان از نظامیان خارجی، این کشور همچنان در جمع بدترین و خطرناکترین کشورهای جهان جای دارد.

در ابتدای حمله نظامی آمریکا به افغانستان بیش از ۱۵۰ هزار نظامی از ۴۵ کشور دنیا در افغانستان حضور داشتند. بر اساس پیمان امنیتی امضاء شده، نیروهای ناتو در تاریخ ۳۱ دسمبر سال ۲۰۱۴ میلادی به مأموریت جنگی خود در افغانستان پایان دادند و در سال جاری میلادی، مأموریت غیر نظامی ناتو در افغانستان آغاز شده است؛ مأموریتی که بیشتر جنبه مشورتی، آموزشی و حمایتی برای نیروهای افغانستان خواهد داشت.

در واقع امریکائی ها با تغییر رویکرد خود از مبارزه با تروریسم به مذاکره و همچنین شورش نامیدن گروه های طالبان به جای گروه های تروریستی، می خواهند هم شکست خود را توجیه و به نوعی به دستاورد تبدیل کنند و هم حضورشان را برای سال های آینده نهادینه سازند. به همین جهت مقامات امریکائی مدعی اند عضویت در طالبان به معنای تروریست بودن نیست. نیروهای امنیتی افغان حدود ۳۵۰ هزار نفر هستند که از این پس، به تنهایی مسئولیت تأمین امنیت را در برابر طالبان بر عهده دارند.

پس از حملات ۱۱ سپتمبر سال ۲۰۰۱ و حمله آمریکا به افغانستان برای مبارزه با تروریسم (القاعده و طالبان)، نه تنها امنیت و ثبات در افغانستان حاکم نشده است، بلکه با پایان سال ۲۰۱۴، هنوز گروه های شبه نظامی وابسته به طالبان به حملات تروریستی خود ادامه می دهند؛ به طوری که در ولایت های «کنر» و «نورستان» در شرق، «هلمند» و «قندهار» در جنوب و «بدخشان» و «قندوز» در شمال کشور توانسته اند مناطقی را تحت کنترل گرفته و حتی حملاتشان را به طور بی سابقه ای افزایش دهند و حملاتشان را از عملیات های انفجاری و انتحاری به حملات گروهی تبدیل کنند.

اکنون کشورهای عضو ناتو در حالی افغانستان را ترک کرده اند که تروریست ها در این کشور به اندازه ای قدرتمند شده اند که می تواند دولت را در نقاط مختلف این کشور با دشواری های جدی امنیتی مواجه سازند. نیروهای امنیتی

افغانستان به رغم روحیه بالا و تعهد نسبت به منافع و آرمان‌های این کشور در ستیز با دشمنان و تروریست‌های داخلی و خارجی همچنان چشم به راه کمک کشورهای خارجی برای تأمین نیازهای امنیتی کشورشان هستند. گروه‌های تروریستی و افراط‌گرا به لحاظ کمی و کیفی برتری‌های نگران‌کننده‌ای نسبت به سال‌های گذشته به دست آورده‌اند و به نظر می‌رسد مداخلات آمریکا در برابر سیاست‌های دوگانه پاکستان در قبال افغانستان و چشم بستن بر حمایت‌های علنی و آشکار این کشور از طالبان، در واقع نشانگر ستراتیژی درازمدت آمریکا در مورد تداوم جنگ برای اهداف شوم خود در منطقه می‌باشد.

اهداف شوم آمریکا در امضای قرارداد ننگین امنیتی

پیش نویس قرارداد امنیتی امضاء شده چند ماه پیش، شباهت‌های بسیاری با توافقنامه امنیتی آمریکا با عراق دارد و به نحوی تدوین شده که در عمل حاکمان دولت مرکزی افغانستان را نادیده انگاشته و تمامی امور امنیتی این کشور را برای مدتی نامعلوم در اختیار آمریکا قرار می‌دهد.

به همین دلیل، دولت سابق به رهبری حامد کرزی علاوه بر اعتراض‌های شدید همسایگان خود، از سوی احزاب و گروه‌های داخلی و ملت افغانستان نیز با انتقادات و اعتراض‌های گسترده و شدیدی روبه‌رو شده بود و برای گریز از این فشارها، پذیرش این قرارداد را منوط به تأیید آن در لویه جرگه (مجلس بزرگان و ریش سفیدان افغانستان) اعلام کرد و پس از تأیید آن، کرزی امضای این توافقنامه را به روی کار آمدن دولت جدید منوط کرد.

این قرارداد نکات منفی و ابهام‌های زیادی دارد و همچنین این قرارداد به صورت کامل در دسترس همگان قرار نگرفته است. آنچه امضاء شده، بر اساس مقداری تغییرات بوده که باز هم مشخص نیست چه مواردی اصلاح و چه تصمیماتی برای آینده بر مبنای آن گرفته شده است. با این حال به نظر می‌رسد این قرارداد به صورت مقدمه امضاء شده و طرفین بر کلیات آن موافقت کرده‌اند.

بر اساس این قرارداد تعداد نیروهای آمریکایی تا سال ۲۰۱۶ تا همین تعداد باقی خواهد ماند و پس از آن نزدیک به ۱۲ هزار نیرو خارج شده و ۹ هزار نیرو به صورت محدود حضور دارند. این افراد نیز برای تأمین امنیت سفارتخانه و پایگاه‌های آمریکایی در افغانستان حضور خواهند داشت. این قرارداد به نوعی تمامیت ارضی افغانستان را با توجه به در اختیار داشتن پایگاه‌ها به دست آمریکا، زیر سؤال می‌برد. از طرف دیگر نیروهای آمریکایی در پایگاه‌ها از مصونیت قضائی برخوردار خواهند بود.

بر مبنای قرارداد، دولت افغانستان از مراجعه به هر گونه دادگاه صالحه بین‌المللی ممنوع شده است و تنها از طریق آمریکا باید به آن دادگاه‌ها ارجاع داده شود. حتی مشکلاتی که خود افغانستان دارد باید از طریق آمریکا به دادگاه مراجعه شود. به همین دلیل این قرارداد جانی را برای این که اختلاف بین طرفین به وجود بیاید، باقی نمی‌گذارد. این موضوع مهمی است که در صورتی که خود آمریکا تصمیم بگیرد، به آن عمل خواهد کرد و هیچ‌گونه اعتراضی از طرف دولت افغانستان قابل پذیرش نیست.

بر مبنای قرارداد، تعداد نیروهای آمریکایی تا سال ۲۰۱۵ به نصف کاهش خواهد یافت و پس از آن تا سال ۲۰۱۶ تقریباً اکثر نیروهای آمریکایی از این کشور خارج می‌شوند و تنها پایگاه‌ها در اختیار آمریکا باقی خواهد ماند. در این پایگاه‌ها نیز نیروهای سیا هستند که تعدادشان به ۹ هزار نفر خواهد رسید.

از طرفی این قرارداد نکات مبهم دیگری نیز دارد مبنی بر این که افغانستان به هیچ وجه به صورت مستقل نمی‌تواند بدون اجازه آمریکا تصمیم‌گیری کند. این تصمیم‌گیری در حوزه پروازهای خارجی، برنامه‌های دفاعی و

همچنین مذاکرات بین المللی است که باید حتماً نظر امریکا اعمال شد. نیروهای هوایی افغانستان، با وجود این که ماهیت خارجی ندارند اما در اختیار امریکا خواهند بود. از طرفی رفت و آمد امریکائی ها در افغانستان آزاد بوده و بدون پرداخت هیچ گونه مالیات است.

سخن آخر

ستراتژی شکست خورده امریکا و دیگر نیروهای خارجی در افغانستان نشان می دهد که موفقیت ملموس در این زمینه به دست نیاورده اند. آنها شاید بیشتر به خراب تر شدن اوضاع کمک کرده اند تا ترمیم و تصحیح اوضاع. نیروهای ائتلاف به رهبری امریکا طی حضور سیزده ساله خود در افغانستان دستاوردهائی را معرفی کرده است که هیچ کدام از آنها به صورت مستند قابل اعتماد نیستند. اقدامات نیروهای ائتلاف در افغانستان بیشتر جنبه تأمین امنیت نیروهای خود را داشت و جان مردم افغانستان -چه نظامی و چه غیرنظامی- برای آنها اهمیت ابزاری داشت